

بررسی و تحلیل تصاویر و نقش برجسته‌ها در اساطیر آفرینش هند

* ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

** مینا یوسفی

چکیده: تصور بشر اولیه از روز و شب جهان، در اساطیر آفرینش و رستاخیزش بازتاب یافته است. این اساطیر، شایع‌ترین شکل اسطوره در میان فرهنگ‌های بشری هستند که به عنوان حقایق والا در نظر گرفته شده و دیدگاه و نگرش افراد آن جامعه را نسبت به جهان نشان می‌دهند. در ریگ ودا با دو دیدگاه درباره آفرینش روبرو می‌شویم، که یکی زایش و دیگری آفرینش است و آفرینش خود به دو دسته آفرینش از هیچ و آفرینش از تن غول خدای نخستین (پوروشا) تقسیم می‌شود. در اسطوره آفرینش هندو سخن از تثلیث اساطیری خدایان است. برهما، ویشنو و شیوا از لحاظ جهانشناسی مقامی هم‌تراز یکدیگر دارند. برهما اصل آفرینش و ایجاد، ویشنو اصل هم‌بستگی موجودات و بقای آنها و شیوا اصل فنا و بطلان موجودات و کائنات است. برخی ویژگی‌ها و نمادها در این اساطیر، در میان ملل مختلف یکسان است که در بازنمایی تصویری آنها نیز، قابل شناسایی است. هدف از این مقاله بررسی اساطیر آفرینش و تصاویرسازی‌های مرتبط با آنها در هند است. در جریان این بررسی، نمادهای موجود در این اساطیر و تصاویر شناسایی شده شرح داده شده‌اند. نتیجه به دست آمده حاکی از اهمیت حضور خدایان در هنر آنهاست؛ چرا که بیشتر از تصویر سازی روایت این اسطوره، ایزدان به تصویر کشیده شده‌اند. همچنین نمادهایی همچون نیلوفر آبی به کرات در این بازنمایی‌ها وجود دارند که حاکی از تقدس این گل در هنر و باورهای هند است.

واژگان کلیدی: اسطوره - هند - آفرینش - تصاویر - نقش برجسته‌ها

◆ مقدمه

ریشه و بن بوده و خاستگاه و سرچشمه هر چیزی را نشان می‌دهند و به تعبیر دیگر، اساطیری درباره "سراغاز" هستند. این اساطیر در هر جامعه، متناسب با نیازهای فرهنگی-جغرافیایی خاص آنها شکل گرفته و پاسخگوی نیازها و پرسشهای مردم همان نواحی است.

بین اسطوره و هنر ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. این دو در خاستگاه و هدف مشترکند و آنچه آنها را از هم جدا می‌کند یکی نحوه آرایه آن است، و دیگر این که پدید آورنده اسطوره، خلاقیت و وجدان جمعی است و عامل پیدایش اثر هنری، آفرینش فردی، اما در نهایت هر دو به جامعه و فرهنگ تعلق دارند، بنابراین طبیعی است که انسان‌ها در به تصویر کشیدن اساطیر خود تمام هنر و خلاقیت خویش را به کار برده باشند.

در این مقاله سعی بر این است تا نمونه‌هایی چند از تصویرسازی‌ها یا نقش برجسته‌هایی با مضمون اساطیری آفرینش جهان و ایزدان و انسان در هند (دوران ودایی و هندو)، بررسی و تحلیل شده و نمادهای به کار رفته در تصاویر بازگشایی شوند.

تمدن هند یکی از کهن‌ترین تمدن‌های تاریخ جهان است و اساطیرش از اسطوره‌های غالب سرزمین‌های اروپایی متمایز است چرا که آنها اعتقاد زیادی به حفظ باورها و اعتقادات کهن خود داشتند. اما تحولات طبیعی‌ای نیز در اساطیرشان اتفاق افتاده که نتیجه جابجایی قدرت فرمانروایان، تهاجمات و شرایط اقتصادی و اجتماعی هند است. آنچه که اکثریت هندی‌ها را با یکدیگر متحد می‌کند، ساختاری اجتماعی است که ریشه در باورهای دینی و اصول مشترک قومی دارد و در مجموعه اسطوره‌ها بازتاب یافته است. اساطیر آفرینش در میان همه ملت‌ها به شکلهای گوناگون وجود دارد، و بخشی از کتب مقدس، باورها و عقاید آنها را به خود اختصاص داده است. زمانی که سخن از آفرینش به میان می‌آید، به داستانهایی بر می‌خوریم که اگر چه در ذهن انسان‌های امروزی فاقد هرگونه پشتوانه علمی و عقلی است، اما در میان انسان‌های عصر اساطیری پاسخگوی بسیاری از پرسش‌های کنجکاوانه آنها در تقابل با جهان اطرافشان بوده است. اساطیر مربوط به آفرینش جهان، انسان، آسمان، خورشید، ستارگان، زمین و ... اساطیر

* دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهراء (ع)
** کارشناس ارشد پژوهش هنر.

علت از بین رفتن این بخش از مجسمه قابل تشخیص نیست. ریسمان او نشانه خطاها و اشتباهاتی است که انسان بر اثر نادانی بدانان دچار شده است. (تصویر ۱) (ذکرگو، ۱۳۷۷، ۲۱۳)



■ تصویر ۱

۲. ایندرا

ایندرا خدای طوفان و رعد و برق است که به نسبت سایر خدایان ودایی بیشتر صورت انسانی دارد. سلاح او "واجرا" است و قدرت خود را از نوشیدن سومه و قربانیانی که به پیشگاهش تقدیم می‌شود، بدست می‌آورد. "در واداها ایندرا به هیأت شاه آریایی جنگجو با پوستی زرین و سوار بر اسب یا ارابه‌ای طلایی که دو اسب کهریا یال و دم آویخته و افشان آن را می‌کشند تصویر شده است." (ایونس، ۱۳۷۳: ۱۸) مهمترین کار ایندرا این است که باران فرو می‌ریزد و اگر ابرها از ریزش باران خودداری کنند، با آنها نبرد می‌کند و باعث ریزش باران می‌شود. او به هنگام تولد از پهلوی مادر (پرتیوی) زاده می‌شود و چون زاده شد، درخشش وی زمین و آسمان را روشن می‌کند و زمین و آسمان از بیم خشم وی می‌لرزند. (بهار، ۱۳۸۷: ۴۶۹) (تصویر ۲)



■ تصویر ۲

◆ بررسی و تحلیل

اساطیر آفرینش در هند در دوره ودایی و هندو ویژگی‌های خاص خود را دارند. مفهوم آفرینش در ریگ ودا به دو دسته تقسیم می‌شود. نخست زایش؛ به این معنا که در میان ایزدان آسمانی ودایی به خدا پدری برمی‌خوریم که همه هستی از او بوجود آمده است. او دیائوس پدر نخستین، خدای آسمان، همسر پرتیوی (خدای زمین) است، و گاهی پدر و مادر نخستینی است که جهان را زاده است. دوم آفرینش از هیچ و از تن غول خدایی نخستین است. پروشا و پرچاپتی با قربانی کردن بدن خود بخش‌های مختلف عالم را می‌آفرینند. وقتی پروشا را ذبح کردند، طبقات چهارگانه هند از دهان، دست‌ها، ران‌ها و پاهایش؛ ماه از فکرش، خورشید از چشمش و ایندرا و آگنی از دهانش به وجود آمدند. (ریگ ودا، ماندالای دهم، سرود ۹۰) در براهماناها پروشا با پرچاپتی و در اساطیر متأخر با برهما یکی دانسته می‌شود. بنابر سرود ۱۲۱ ماندالای دهم، پرچاپتی پدر خدایان است که در آغاز تنها به سر می‌برده. وقتی پرچاپتی همچون تخمی زرین از اقیانوس آغازین به واسطه ریاضت برخاست به اطراف خود نگاه کرد و گریست. "از سرشکی که از چشمان او فرو افتاد هوا و فضای میانه پدید آمد، از سرشکی که در اقیانوس فرو افتاد زمین هستی یافت و از سرشکی که رو به بالا جستن زد آسمان شکل گرفت. پس پرچاپتی، پوسته‌های تن خود را فرو افکند و از این پوسته‌ها اسوراها آفریده شد؛ تاریکی زاده شد؛ انسان؛ نور ماه، فصل‌ها؛ بامداد و شامگاه، خدایان؛ روزها و سرنجام مرگ پدید آمد." (ایونس، ۱۳۷۳: ۵۱)

در اساطیر برهمنی، برهما خدای آفرینش است که بر روی بستری از گل نیلوفر که از ناف ویشنو بر آمده قرار گرفته و از پیکرش دست به کار آفرینش موجودات و جهان می‌زند. در واقع برهما را خدای خدایان هندو می‌دانستند که بعد از آفرینش جهان دیگر در روی زمین کار و فعالیت ندارد و وظایفش به ویشنو و شیوا واگذار می‌شود. این ویژگی‌های اساطیر آفرینش در هند و ایزدان دخیل در آنها به شکل مشروح عبارتند از:

۱. شمایل سنگی وارونا خداوند قانون و موازین

وارونا، فرمانروا، آفریننده و پاسدار قانون جهان؛ ناظر رفتار مردمان و کیفر دهنده خطاکاران توسط ریسمانی است که از شانه‌هایش آویخته. شمایل تمام رخ است و پوششی بر تن ندارد. تنها تزییناتی به دور گردن و پاها دارد و تاجی بر سر گذاشته است. چرخش بدن زیاد است، طوری ایستاده که گویی فشار بر روی پای راست است. حالتش آرام و صلح‌آمیز است. دو دست را با زاویه قائم، به جلو نگه داشته و به نظر می‌رسد چیزی در دست داشته (ریسمان) که به

در این تصویر می‌بینیم که چطور شعله‌های آتش از دست‌ها و زبان آگنی بیرون آمده و اطراف را فرا گرفته است. آتش یکی از قدیمی‌ترین عناصر مورد پرستش هند و ایرانیان بوده و دارای سه مظهر است. در آسمان: خورشید، در جو: آذرخش (رعد و برق) و در زمین: آتش معمولی. گفته شده که او در طی سه مرحله تولد یافته. یعنی پس از تولد در آسمان و خورشید بار دیگر زاده شد. آن هنگام که در دریای طوفانی ابرها غرق شد و به شکل آذرخش تولد یافت و سوم زمانی که پس از برافروخته شدن در مراسم قربانی به دست کاهنان و مردم بار دیگر فروزان می‌شود. از همین رو گفته شده که او پیوسته در جهان حضور دارد و ناظر امور دنیوی و آسمانی و روابط انسان با خدایان است. او همچنین انتقال دهنده قربانی‌هایی است که مردم به خدایان می‌دهند. (رک جلالی نائینی، ۱۳۶۷، ۸۵) (تصویر ۴)



تصویر ۴

۴. پروشا

پروشا غول خدایی است که در ابتدای جهان قربانی شده. هر قسمت از اعضای بدنش بخشی از عالم را تشکیل می‌دهد. دارای هزار سر و هزار دست است و در هر دستش چیزی گرفته؛ تبر، طبله جفجغه‌ای، تری‌شولا (نیزه سه شاخه)، شمشیر، کمان، لوتوس و غیره. بزرگی پروشا را از شخصیت‌هایی که در اطراف او مشغول نیایش هستند می‌توان دید. سرها به شکل موجودات مختلف و شخصیت‌های متفاوت هستند. (رک ریگ ودا، ماندالای دهم، سرود ۹۰)

پروشا بر روی نیلوفر شکفته‌ای ایستاده است. در (بالا) طرف چپش خدای خورشید و در طرف راستش خدای ماه قرار دارند. بر روی قسمت‌های مختلف بدن وی نقش‌های فراوانی است که نشان‌دهنده آفرینش این موجودات از این بخش‌های بدن پروشا هستند. (تصویر ۵)

یکی از مهمترین شاهکارهای او کشتن اهریمنی به نام وریتره است که آبهای زمین را یکجا نوشیده و باعث قحطی و خشکسالی شده بود. ایندرا با شکست وریتره به جانشینی وارونا دست یافت و به دنبال آن خدای آفریننده شد. او نیز جهان را به جای آفریدن، از نیستی سامان داد. او با به کار گرفتن خورشید، جهان را به شش بخش که در هر بخش از آن گروهی از موجودات زندگی می‌کردند تقسیم کرد. بدین سان ایندرا ستونهای استوار آسمان و زمین و جایگاه خدایان و موجودات خاکزی را از هم جدا و زمین را وسیع‌تر کرد و رودهای بزرگی بر آن جاری ساخت و هم بدین دلیل او را آفریننده بسیاری از رودها می‌دانستند. (ایونس، ۱۳۷۳: ۲۲) ایندرا به صورت مردی عضلانی است که کل بدنش با چشم‌های بی‌شماری پوشیده شده است. (صفت هزار چشم) او معمولاً سوار بر فیلی است به نام آیرواتا. دارای چهار دست بسیار بلند است که کل آسمان را پوشش می‌دهد. در دست راستش سلاح (واجرا) است. این سلاح گرد است و سوراخی در وسطش دارد که برای ایجاد رعد و برق استفاده می‌شود. ایندرا همچنین از پیکان، تیشتر، تله و چنگک برای گرفتن دشمنانش استفاده می‌کند. هنگامی که با چهار دست تصویر شود، در دو دستش نیزه است که شبیه سیخک فیل هستند و هنگامی که با دو دست رسم شود، تنها واجرا و کمان در دست دارد. (تصویر ۳)



تصویر ۳

۳. آگنی

آگنی خدای آتش، مظهر دانش واقعی و ثروت‌های دنیوی، اکتساب قدرت‌های درونی از طریق یوگا و آزادی از راه پست کردن خواهش‌های نفسانی و عادت‌ها است.

۶. برهما خدای آفریننده

برهما خدای آفریننده در تثلیث هندو است. او دارای چهار سر است که در این تصویر تنها سه سر او قابل مشاهده هستند و احتمالاً چهارمین سر در پشت قرار دارد. او همچنین دارای چهار دست است که نشانه احاطه و تسلط او بر جهان است. برهما را زاده شده از ناف ویشنو در میان گل نیلوفر می‌دانند. نیلوفر نماد آفرینش اوست. او جهان را از قدرت خود آفرید و در آخر با آن (نیلوفر) یکی شد. (رک همان: ۶۷)

برهمای چهار سر بر روی سریری نشسته و انسانها در اطرافش مشغول دعا و نیایش‌اند. او دست راست جلویی خود را به نشانه استدلال ذهنی و مباحثه، نزدیک سینه نگه داشته. در دست راست عقبی تسبیح و در دست چپش کتابی است که آن را می‌توان ودا دانست. آهسته فهماندن آفرینندگی، غلبه بر ناباروری و بی‌حاصلی، ایجاد شادی در جهان و کمک کردن در روند آموختن، دعاها ی خیری هستند که برهما می‌کند. در زمینه تصویر، ویشنو سوار بر مار ششا بر اقیانوسی شناور بوده و همسرش کنار پایش نشسته است. (تصویر ۷)



تصویر ۷

۷. برهما با پنج سر سوار بر غاز افسانه‌ای

برهمای پنج سر سوار بر مرکبش قو که مظهر دانایی و معرفت، خلوص و قضاوت درست است. (رک شایگان، ۲۵۳۶: ۲۷۵) می‌گویند در آغاز برهما یک سر داشت و با یافتن چهار سر جدید یکی از سرهایش را از دست داد. برهما از ذات خود مادینه‌ای آفرید و عاشق او شد. دختر از نگاه برهما گریخت و هنگامی که به راست و چپ و پشت سر برهما رفت سری جدید از تن برهما در آن جهت روید. سرانجام دختر به آسمان رفت و پنجمین سر در میانه سرهای دیگر به وجود آمد. در این تصویر در دست‌های برهما یک عصای سلطنتی، یک تسبیح و کوزه‌ای آب قرار دارد. تعدد سرها در برهما نشانه تسلط او بر جهان خلقت است. (وازنر، ۱۳۸۶، ۴۵۴) (تصویر ۸)



تصویر ۵

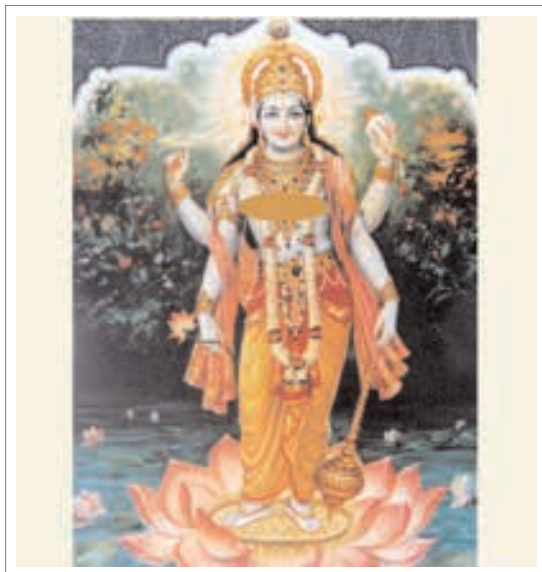
۵. پرچاپتی

پرچاپتی پدر خدایان است که در آغاز تنها به سر می‌پرد. وقتی پرچاپتی همچون تخمی زرین از اقیانوس آغازین به واسطه ریاضت برخاست به اطراف خود نگاه کرد و گریست. از سرشکی که از چشمان او فرو افتاد هوا و فضای میانه پدید آمد. از سرشکی که در اقیانوس فرو افتاد زمین هستی یافت و از سرشکی که رو به بالا جستن زد آسمان شکل گرفت. پس پرچاپتی، پوسته‌های تن خود را فرو افکند و از این پوسته‌ها اسوراها آفریده شد؛ تاریکی زاده شد؛ انسان؛ نور ماه، فصل‌ها؛ بامداد و شامگاه. خدایان؛ روزها و سرانجام مرگ پدید آمد. (ایونس، ۱۳۷۳: ۵۱) در این تصویر پرچاپتی دارای سه سر است که یکی از روبرو و دو تا از نیمرخ هستند. یک پایش را بر روی زمین و پای دیگر را به حالت چهار زانو گذاشته است. تصویر به سه بخش تقسیم شده که می‌تواند کنایه‌ای از آسمان (با کمان‌هایی از نیلوفر و صدف)، فضای میانه و زمین باشد. (تصویر ۶)



تصویر ۶

دو گردن‌بند بر گردن دارد. یکی ترکیبی از گلهاست و تا زانویش پایین آمده و نماینده حواس انسانی است. دیگری، دارای یاقوت درشتی است که سمبل آگاهی می‌باشد. ویشنو دو گوشواره بر گوش دارد. از آنجا که گوش عضوی است که کسب علم و معرفت از آن طریق صورت می‌گیرد، دو گوشواره سمبل دو نوع معرفت عقلی و اشراقی هستند. نیم تاج ویشنو حکایت از حاکمیت او دارد و سمبل حقیقت عظیمی است که بالای سر او قرار دارد و جهانیان نمی‌توانند از آن آگاه شوند. (تصویر ۹)



تصویر ۹

۹. **جسم ویشنو آرمیده بر ششا در اقیانوس نارا**
 ویشنو در پایان جهان، تمام موجودات را می‌خورد و جهان را با دریایی بزرگ می‌پوشاند و بر ششا می‌خوابد و زمانی که بیدار شد بار دیگر جهان را به شکل برهما می‌آفریند. مار ششا با هفت سر بر روی اقیانوس بیکران نشان داده شده است. ویشنوی چهار دست بر روی آن آرمیده و از نافش گل نیلوفری برآمده که بستر برهمای چهار سر گشته است. اطراف ویشنو نمادهای مختص به او، یعنی صدف، نیلوفر، و گرز دیده می‌شود. (تصویر ۱۰) مار ویشنو با پنج یا هفت سر نمایش داده می‌شود، اما به طور معمول مار بزرگی است با هزاران سر. "مار ویشنو سمبل ابتدایی‌ترین فرم طبیعت قبل از پیدایش پراکرتی و ماده خام رجس (انرژی و عامل فعالیت و فعلیت پدیده‌ها) است. جسم طولانی و بی‌پایان او نماد امتداد نامحدود زمان است و چین‌های بی‌شمار بدنش از ادوار متعدد جهانی حکایت می‌کند. هنگامی که جهان نابود می‌شود، همین مار است که هنوز باقی است و نام ششا (به معنی باقی) نیز بر همین مفهوم دلالت دارد. اوست که پس از هر دوره جهانی،



تصویر ۸

۸. ویشنو نگهدارنده جهان

ویشنو یکی از خدایان اصلی ریگ ودا است که در اساطیر متأخر هندوان به مهمترین رکن از سه رکن یا تثلیث خدایان تبدیل می‌شود. در این تثلیث او نقش حفظ کننده و نگهدارنده کائنات را عهده‌دار می‌شود. یعنی نیرویی که توسط آن عناصر جهان به یکدیگر پیوسته و استوار بر جا می‌ماند. "هر یک از اجزای هستی بدون وجود دیگری قابل ادراک، بلکه قابل نیل به مرتبه وجود نیست. به عبارت دیگر ماده حیات، زمان و نور همه از برکات این اتصال اند و اینها نوری از انوار ویشنو به شمار می‌آیند." (کوماراسوامی، ۱۳۸۲: ۲۱۵) ویشنو را گاه "نارایانا" یا "جنبنده درون آنها" نیز می‌نامند، زیرا او "نارا یا اقیانوس جهان پیش از آفرینش جهان و همه جا گستر است." (ایونس، ۱۳۷۳: ۷۹) در این صورت ویشنو به شکل و هیبت انسانی بر روی مار ششا، شناور بر این اقیانوس است و تولد برهما از درون گل نیلوفری است که از ناف ویشنو سر بر آورده و به همین جهت می‌توان گفت که آفرینش بی‌وقفه از او جاری می‌شود. ویشنو در تصاویر و شمایل غالباً در دو حالت دیده می‌شود. یکی در حالت ایستاده و دیگری خوابیده بر مار ششا.

در دست چپ بالایی صدفی به نشانه منبع وجود و عناصر آفرینش گرفته است. صدایی که از صدف می‌آید وجود خدایان را یادآوری کرده و دور کننده ترس هاست. در دست راست بالایی چاکرا است؛ نیرویی که برطرف کننده جهل و نادانی و نشان ذهن معنوی خالص است. دایره بودنش نشانه چرخه ابدی زمان و طبیعت است. گل نیلوفر در دست راست پایینی نماد خلوص و زیبایی و کمال، نجات معنوی و کمال خدایی است. در دست چپ پایینی گادا است که نشانه قدرت خدایی ویشنو؛ منبع تمام معنویت، قدرت‌های فیزیکی و ذهنی است.

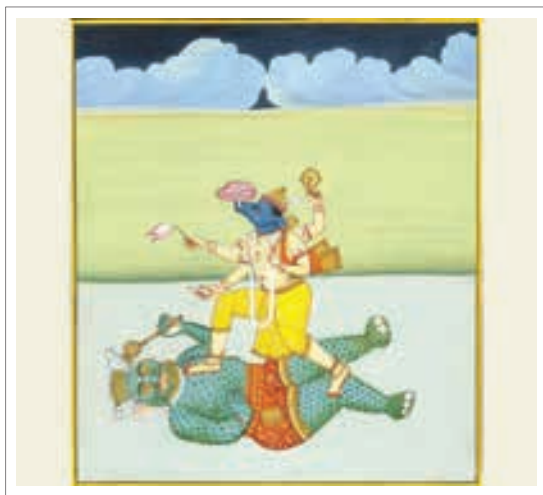
شد. او قایق را به بالای کوهی در شمال برد و به مانو آموخت هنگامی که آنها فرو نشست، چگونه کشتی با عظمت را بتدریج به زمین آورد. (Hackin, 1975: 134) (تصویر ۱۲)



تصویر ۱۲

۱۱. واراها

تجلی سوم ویشنو در قالب گراز مربوط به بیرون آوردن زمین از اعماق آبهای اولیه است. زمانیکه همه هستی آب بود خداوند (ویشنو)، در عمق این آبها، زمین را دید و خواست تا جهان را خلق کند. با دیدن گل نیلوفری بر سطح آب، به شکل گرازی در آمد، به عمق آب رفت و با پوزه قدرتمندش زمین را به سطح آب آورد و همچون برگهای نیلوفر بر سطح آب گسترانید. واراها بدنی انسانی و سری شبیه به گراز دارد. در دستانش، دیسک (چرخ)، صدف، گرز و نیلوفر آبی است او با آروارهای قدرتمندش زمین را از چنگ اهریمنان (هیرانیاکشا) نجات می‌دهد. در این تصویر او بر روی دندان‌هایش زمین را حمل کرده و در عین حال با گرز خود مشغول کشتن دیو (هیرانیاکشا) است. (ری ذکرگو، ۱۳۷۷، ۱۱۱-۱۱۰) (تصویر ۱۳)



تصویر ۱۳

ماده خام اولیه را برای خلق مجدد موجودات در جسم خود نگاه می‌دارد و هم او بستر انتقال خدایان از یک دوره به دوره بعدی است. در واقع او سطح اتکاء وجود است و تمام موجودات، از خالق و مخلوق، برای یافتن امکان تجلی بر او استوارند. (ذکرگو، ۱۳۷۷، ۸۰) (تصویر ۱۱)



تصویر ۱۰

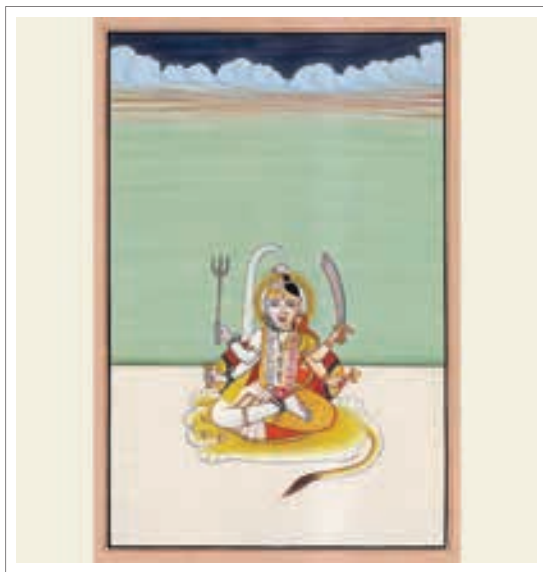


تصویر ۱۱

۱۰. ویشنو در هیئت ماتسیا

روزی مانو هنگامیکه مشغول شستشو بود، دست در آب برد و ماهی کوچکی در دستش آمد. خواست او را به آب برگرداند که ماهی لب به سخن گشود و از او برای رهایی از ترس هیولای سیری ناپذیر دریا کمک خواست. مانو او را نجات داد و در کاسه‌ای انداخت. اما ماهی به حدی بزرگ شد که تنها اقیانوس می‌توانست جثه او را در خود جا دهد. آن هنگام ماهی به مانو گفت: "در هفت روز طوفانی ایجاد خواهد شد. من قایق بزرگی به همراه هفت ریشی برای تو می‌فرستم و تو در آن جفتی از هر چیزی که بر روی زمین و آسمان وجود دارد سوار کن. تو می‌توانی آن را از دانه‌های انواع گیاهان پر کنی و خودت با آن دور شوی. من لنگر کشتی را به دهانم می‌گیرم و از میان آبها راهنماییتان خواهم کرد." با قرار گرفتن موجودات در قایق، امواج بالا آمده اقیانوس طغیان کرد و کم کم کل سطح زمین را فراگرفت. ویشنو در شکل ماهی بزرگی با فلس‌های طلایی بر روی آبها ظاهر

نشان دهنده اصل اتحاد دو نیمه است، که زن و مرد با هم متحد می‌شوند ولی در هم ادغام نمی‌گردند. او نشسته بر روی پوست ببر است. طرف راست دارای دو دست است، که در یکی trishula (نیزه سه شاخه) به نشانه گذشته و حال و آینده؛ و در دیگری damaru (طبله جغجه‌ای) است. دور گردنش ماری حلقه زده به نشانه فرزندی است. در دو دست دیگرش شمشیر و وسیله کمند مانند گرفته است. چشم سومش در وسط پیشانی مشخصه معمول زن و مرد است. گردنبندی دارد که در نیمه مؤنثش لوتوس و در نیمه مذکرش مجسمه است. شیوا در شکل دو جنسی اش ترکیب پروشا و پراکرتی در یک موجود واحد است؛ به نشانه طبیعت پیچیده جنس‌ها. (تصویر ۱۵)



تصویر ۱۵

۱۳. شیوا در حال رقص نابودی در آخر زمان

شیوا چهار بازو دارد. دست راست بالا، طبل کوچکی گرفته که اشاره به وحی و کلام مقدس است. دست چپ بالا لاله‌ای آتشین است که آتش مظهر شعله‌های فانی‌کننده خلقت در پایان دوره جهانی است. دست راست پائین را "آباگامودرا" یا حالت عدم ترس گویند. دست چپ پایین کشیده شده و اشاره به فرزند شیوا که معدوم کننده موانع است دارد. پای چپ که بلند شده، مظهر آزادی ارواح و پناهگاه ابدی آنهاست. پای راستش بر روی موجودی لاک‌پشت مانند قرار گرفته که آنرا اهریمن فراموشی خوانده‌اند. این مجسمه روی پایه گل نیلوفری است و حلقه آتشی او را احاطه کرده. آتش‌های کوچک موجود بر حلقه تمثیل ایجاد و احیای پی در پی کائنات و گذر ادوار جهانی است و شعله‌های برخاسته از آن نیز نمایانگر صفت ویرانگری شیوا است. (رک شایگان، ۱۳۶۲، ۲۵۹) (تصویر ۱۶)

۱۲. شیوا خدای ویرانگری

شیوا اصل نابودگری و نیستی در تثلیث خدایان هندو است. او با انهدام عالم، هم باعث از بین رفتن پرده‌های جهل و نادانی به واسطه از هم پاشیدن صور جهان است و هم باعث آفرینش مجدد و احیای کائنات. بنابراین، او را هم می‌توان شه‌ریار مرگ و نیستی و هم منشأ زندگی دانست. او قدرتش را به واسطه ریاضت‌کشی بدست می‌آورد. در تصاویر، شیوا را غالباً با پنج چهره، چهار دست و سه چشم نشان داده‌اند. سومین چشم او در وسط پیشانی‌اش قرار گرفته و توسط همین چشم است که با خیره شدن به دشمنان، آنان را آتش می‌زند. او همچنین با چشم سوم هنگامی که عصر ویرانی جهان فرا می‌رسد، خدایان و سایر موجودات را نابود می‌کند. این چشم، چشم جهان‌بین اوست و توسط آن حقایق عالم را می‌بیند و به اسرار آفرینش پی می‌برد. شیوا توسط این سه چشم زمان گذشته و حال و آینده را در می‌یابد. چهار دست اشاره به چهار جهت فضا و فرمانروایی او بر کل جهان است. در یک دستش نیزه‌ای سه سر و در یکی تبری دارد، در حالیکه دست سوم‌اش را برای فرونشاندن خشم و وحشت بلند کرده و با دست چهارم نعمت‌های آسمانی می‌بخشد. در این تصویر ماری که دور گردن شیوا (خدای نابودی در تثلیث هندو) پیچیده، نماد چرخه زمان و آزادی از اسارت‌های طبیعت است. کوزه‌ای که کنار دستش بر روی زمین قرار دارد بازنمایاننده سلامتی جسمانی، خوبی و زندگی طولانی است. نیزه سه شاخه‌اش (تری‌دنت) نشانه سه جنبه آفرینش، حفاظت و نابودی است. نشستن شیوا بر روی پوست ببر نماد آزادی و رهایی از شهوت‌هاست. (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴

تصویر مقابل، تصویری است از شیوا که دارای بدنی دو نیمه است. طرف راست مذکر و طرف چپ مؤنث؛ که

اساطیر، ۱۳۷۳.

۲- بلخاری قهی، حسن، اسرار مکنون یک گل، تهران، نشر حسن افر، ۱۳۸۴.

۳- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم)، چاپ هفتم، تهران، آگه، ۱۳۸۷.

۴- دالاییکولا، آنال، اسطوره‌های هندی، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۵.

۵- ذکرگو، امیرحسین، اسرار اساطیر هند (خدایان ودایی)، تهران، فکر روز، ۱۳۷۷.

۶- شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، جلد اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۷- کوماراسوامی، آناندا، مقدمه‌ای بر هنر هند، ترجمه: امیر حسین ذکرگو، تهران، روزنه، ۱۳۸۲.

۸- وارنر، رکس، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، اسطوره، ۱۳۸۶.

۹- گزیده ریگ ودا (قدیمی‌ترین سرودهای آریایی هند)، چاپ دوم، تحقیق و ترجمه: سید محمد رضا جلالی ناینی، تهران، نقره، ۱۳۶۷.

10- Hackin, j., *Asiatic Mythology*, New York, Crescent Book, 1975.

11- *Gods and Goddesses card deck*, New Delhi, OM Books International, 2008.

◆ فهرست منابع تصویر

- 1- Hachins , 1975, 15
- 2- http://en.wikipedia.org/wiki/File:Indra_deva.jpg
- 3- *Gods and Goddesses card deck*, 2008, Indra (king of the Gods) card.
- 4- *Gods and Goddesses card deck*, 2008, Agni(God of fire) card.
- 5- http://gurujiamrita.tripod.com/meanings_of_purusha_suktam.htm
- 6- <http://www.atmayogi.com/node/4250>
- 7- *Gods and Goddesses card deck*, 2008, Brahma(God of creation) card.
- 8- *Gods and Goddesses card deck*, 2008, Sri Vishnu(maintainer of the universe) card.
- 9- *Gods and Goddesses card deck*, 2008, Sessa Naga(king of the serpents) card.
- 10- 11 http://en.wikipedia.org/wiki/File:Vishnu_and_Lakshmi_on_Shesha_Naga_ca_1870.jpg
- 12- *Gods and Goddesses card deck*, 2008, Matsya (The fish avatar) card
- 13- <http://bvml.org/SBBTM/varaha.jpg>
- 14- *Gods and Goddesses card deck*, 2008, Mahadev Shiva(God of destruction) card
- 15- <http://www.exoticindiaart.com/product/HK16>
- 16- <http://www.exoticindiaart.com/product/RE92>



تصویر ۱۶

◆ نتیجه‌گیری

جایگاه اسطوره را در هنر اقوام می‌توان پی گرفت؛ آنجا که هنرمندان با توجه به تصاویر نهفته در متون به جا مانده از اساطیر، به بازنمایی آنها می‌پردازند تا هم قداستشان را نشان دهند و هم آنها را جاودانه سازند. هر چند که این بازنمایی چندان منطبق بر توصیفات موجود در متون نباشد، که علت آن نقش تخیل و وجود تصاویر خیالی که در ذهن هنرمند به وجود آمده است می‌باشد.

در هند غلبه تصاویر مربوط به اسطوره آفرینش، با ایزدان و خدایان است تا خود روایت آفرینش، که این موضوع را می‌توان ناشی از اهمیت تقدس در هنر ایشان دانست تا نقش روایتی آن. از طرف دیگر، آنچه به جا مانده حاکی از این است که هندیان تمایل زیادی در نمادین کردن تصاویرشان دارند؛ به طوری که هر عنصر از تصویر نمادی از مفهوم یا ارزشی است. در تصاویر بررسی شده، یکی از نمادهایی که به کرات دیده شده نقش گل نیلوفر است. چرا که خدایان تقدس خود را از این گل دریافت می‌کردند. ریشه نیلوفر در زیر آب (ماده اولیه حیات) قرار دارد و از عمق همین بی‌شکلی، گلی با گلبرگهای منظم و متعدد در سطح آن می‌روید. ظهور نیلوفر از آبهای اولیه‌ای که عاری از هر گونه آلودگی است، نشانه پاکی و خلوص این گل است و هشت گلبرگش نشانه هشت جهت وجود می‌باشد. همچنین ایزدان دارای سرها و دست‌های متعدد هستند تا تسلط خود را بر جهان خلقت نشان دهند. در داستان ایزدان معمولاً چهار عنصر چرخ، گرز، صدف و نیلوفر ثابتند. در پایان باید اضافه کرد که برخلاف ایرانیان که تمایل به استیلیزه کردن و ساده‌سازی تصاویر خود دارند، هنرمندان هندی هر چه بیشتر به جزئیات و تزئینات تصاویر خود افزوده‌اند.

◆ فهرست منابع

۱- ایونس، ورونیکا، اساطیر هند، ترجمه: باجلان فرخی، تهران،